

مطالعات اسلامی: تاریخ و فرهنگ، سال چهل و سوم، شماره پیاپی ۸۷،
پاییز و زمستان ۱۳۹۰، ص ۱۱۹-۱۰۷

**بررسی کارنامه وکیل نفس نفیس همایون
در دوره سلطنت شاه اسماعیل و شاه طهماسب***
(۹۸۴-۹۰۷ ق / ۱۵۷۷-۱۵۰۲ م)

فریدون شایسته / دانشجوی دوره دکتری رشته تاریخ دانشگاه اصفهان^۱

دکتر حسین میرجعفری / استاد تاریخ دانشگاه اصفهان^۲

دکتر اصغر فروغی ابری / استادیار تاریخ دانشگاه اصفهان^۳

چکیده

در دوره سلطنت شاه اسماعیل یکم، مقام وکیل نفس نفیس همایون به عنوان نایب السلطنه انجام وظیفه می‌کرد. شاه اسماعیل پس از شش سال که این عنوان در اختیار یکی از اهل اختصاص که ترک قزلباش بود قرار داشت، آن را به یک فرد غیر ترک واگذار کرد و تا پایان عمر به همین رویه ادامه داد. خاستگاه اجتماعی مقام وکیل در این دوره، عملکرد سیاسی و اجتماعی وکلا، چالش‌ها و مشکلات فراروی آنان همراه با تبیین وجوه اشتراک و اختلاف وکلای این دوره، اهداف اصلی این مقاله را تشکیل می‌دهد.

کلید واژه‌ها: صفویه، اسماعیل یکم، قزلباش، وکیل، صدر، تاجیک.

*. تاریخ وصول: ۱۳۹۰/۱۱/۱۶؛ تاریخ تصویب نهایی: ۱۳۹۱/۰۶/۰۸.

۱. نویسنده مسئول Email: F.shayeste99@yahoo.com

2.Email: hmj@ltr.ui.ac.ir

3.Email: a.forughi@ltr.ui.ac.ir

مقدمه

در ادبیات دوره غزنوی و سلجوقی از افرادی به عنوان وکیل نام برده‌اند که به زبان امروزی معادل رئیس دفتر است. در ادبیات مذهبی هم این عنوان دیده می‌شود. در ادبیات شیعه دوازده امامی، به هر یک از نواب چهارگانه که نماینده امام زمان (ع) محسوب می‌شدند، وکیل گفته می‌شد. امروزه هم به نمایندگان مجتهدین شیعه وکیل گفته می‌شود. واژه وکیل را حتی می‌توان در ادبیات شیعه اسماعیلی هم مشاهده کرد. در این مذهب این عنوان بر نایب امام اطلاق می‌گردد.

در دوره صفوی، وکیل به عنوان ندیم (قائم مقام) شاه محسوب می‌شد. او پس از شاه، قدرتمندترین فرد در حکومت صفوی تلقی می‌شد. عنوان کامل این منصب تا زمان جنگ چالدران، «وکیل نفس نفیس همایون» بود، اما بعد از این واقعه، صاحب این منصب صرفاً با عنوان «وکیل سلطنت» شناخته می‌شد. حوزه وسیع اختیارات مقام وکیل موجب شده بود تا عنصر ترک قزلباش که در تشکیل حکومت صفوی خود را بیش از گروه‌های دیگر مؤثر می‌دید، با واگذاری این منصب به گروه عمده رقیب یعنی عنصر تاجیک به مخالفت برخیزد. دوره سلطنت شاه اسماعیل یکم، مشحون از منازعات پنهانی و آشکار این دو گروه برجسته و عمده در قلمرو این خاندان است. طرفداری شاه از گروه دیوانی (اهل قلم) که از تاجیکان بودند، نیروی قزلباش را به مواجهه می‌کشاند و این مواجهه و رویارویی حتی در میادین جنگ با دشمن مشترک هم، خود را نمایان می‌ساخت، اختلافی که بین این دو گروه ذی‌نفوذ از آغاز حکومت این خاندان آغاز شده بود، به در دوران سلطنت شاه تهماسب یکم، اسماعیل دوم و شاه محمد خدابنده هم سرایت یافت و مشکلات عمده‌ای را برای ایران به بار آورد. علاوه بر این ستیز مداوم و آشکار، بین عالی‌ترین مقامات دیوانی این دوره یعنی: وکیل و صدر که از عنصر تاجیک برگزیده می‌شدند هم رقابت و اختلاف وجود داشت.

۱. عملکرد وکیل در دوره شاه اسماعیل**جایگاه وکیل نفیس همایون**

اولین کسی که به عنوان دارنده مقام وکیل نفس نفیس همایون از او در این دوره یاد شده است،

حسین بیگ شاملو است که از صاحب منصبان قزلباش و در شمار «اهل اختصاص» طریقت صفویه بود (سیوری، *ایران عصر صفوی*، ص ۳۲) اسکندر بیک ترکمان، اهل اختصاص را صوفیان قراجه داغ می‌داند که از قدیم‌الایام دعوی ارادت و اخلاص به سلسله صفویه داشتند و در زمانی که شاه اسماعیل از بیم دشمنان در لاهیجان اقامت داشت، به خدمت وی در آمدند. بر این اساس جمعی از صوفیان قراجه داغ در بین هواداران خاندان صفوی به «صوفی قدیم لاهیجانی» معروف شدند و با این لقب بر سایر گروه‌های صوفیه برتری یافتند (ترکمان، ۲/۸۸۲). شاه اسماعیل یکم، ابتدا سه مقام وکالت، امیرالامرای و قورچی باشی گری را به قزلباش داد و تنها مقام‌های صدارت و وزارت را به ایرانیان واگذار کرد ولی اندکی بعد، از این کار منصرف شد و مقام وکیل و امیرالامرای را هم به ایرانیان سپرد. بدین ترتیب کفه ترازو به سود ایرانیان سنگین شد و همین امر، ناخرسندی و کارشکنی قزلباشان را به دنبال داشت (سیوری، ص ۳۰).

در عمل می‌توان گفت جز مقام قورچی باشی گری، چهار عنوان مهم صدارت، وزارت، وکالت و امیرالامرای در اختیار ایرانیان بود. این تقسیم بندی مطمئناً نمی‌توانست عنصر قزلباش را راضی و خرسند نگه دارد، علاوه بر این، اهمیت مقام وکیل آن گونه که میرزا علی نقی نصیری به توصیف آن پرداخته، می‌تواند علت ناخرسندی و رویارویی عنصر قزلباش را به خوبی تبیین کند:

«وکیل دیوان اعلی که رتق و فتق امور مملکتی و ملکی، تماماً به رأی و صواب دید او تمشیت پذیر گشته، هیچ یک از امرا، بدون استصواب او دخلی در امور مملکت نمی‌کردند و در هر زمانی کمال شوکت و اقتدار داشته است. تعیین مناصب و ارجاع خدمات هر یک از غلامان، بندگان و ملازمان پادشاهی تماماً به رضا و خواهش او به عمل آمده، بلکه پادشاه را نیز مدخلیت چندانی در اوامر و نواهی نبوده، زمام اختیار سلطنت بالتمام در قبضه اختیار و اقتدار آن شخص بوده و اکثر اوقات مَهر پادشاهان نیز در پیش وکیل بوده به گردن می‌انداخت و ارقام و احکام را به نحوی که صلاح می‌دانست نویسانیده، مَهر همایون را بر آن می‌زد. نواب گیتی ستانی، بعد از مقدمه مرشد قلی خان استاجلو، منصب وکالت را موقوف فرموده دیگر به احدی

مرجوع نفرمودند هر چند که بعد از مرشد قلی خان، فرهاد خان قرامانلو که اعلیحضرت مشارالیه او را لقب فرزندی عنایت فرموده بودند بسیار مقتدر شده به حد وکالت رسید اما سندی که دلالت بر وکالت مشارالیه نماید به نظر نرسید (نصیری، ۳۳ - ۳۲) .»

نصیری که از عنصر تاجیک و از اعضای دستگاه دیوانی این دوره بشمار می آید، تصدی مقامات دیوانی را از سوی ایرانیان، مبتنی بر توانمندی و ابراز لیاقت آنان دانسته که این ادعا می تواند خصومت و ستیزه پایان ناپذیر مقامات دیوانی و نظامی را بیش از پیش برملا و عیان سازد:

«چون منصب وزارت اکثر اوقات به جماعت اهل قلم، نویسنده و تاجیک مرجوع می گردید و در هر زمانی که به غیر آن طایفه مفوّض می شد مفسد عظیم در ضمن آن به ظهور می رسید و جهت آن بر ارباب فهم معلوم است به سبب آن که طبع غیر تاجیک، اکثر به ظلم و جور و تعدی و بازیافت وجوهات بی حساب و خرابی رعیت راغب است در طایفه تاجیک، این گونه حالات حاکم تر می باشد و قطع نظر از آن، نویسندگی و فهم و دانش و کمال لازمه این منصب است و تاجیکان اوقات خود را به این گونه مراتب صرف نموده غیر آن جماعت اوقات خود را اغلب صرف سپاهی گری و تاخت و تاراج نموده، فی مابین این دو طایفه تباین کلی است و مدار منصب وزارت، به فهم و ادراک و کمال باشد» (همو، ۵ - ۴) .

از سال ۹۱۳ ق تا ۹۳۰ ق چند تن از ایرانیان به مقام وکالت دست یافتند که به بررسی عملکرد و چالش های فرا روی آنان در دوره مسئولیتشان می پردازیم:

امیر نجم مسعود زرگر رشتی (نجم اول)

هنگامی که اسماعیل در مسجد سفید رشت اقامت گزیده بود، مسعود زرگر رشتی که به حرفه زرگری اشتغال داشت، با اسماعیل آشنا گردید و آشنایی بین این دو، سبب ایجاد حس اعتماد و دوستی بین آنان شد. مسعود زرگر که از بیم جان خود از سوی شخصی به نام «کوسه عباس» عامل و دست نشانده حکومت سنی مذهب اسحاقوند فومنات از رشت فرار کرده بود، خود را در شروان به اسماعیل میرزا که اهل اختصاص، درصدد به قدرت رسانیدن وی بودند رساند (خواند میر، غیاث الدین، ۳ / ۴۹۱) . او در رکاب اسماعیل به عنوان یکی از برجسته ترین

ملترزمین به شمار می‌آمد. پس از برکناری حسین بیک قزلباش از مقام وکالت که شش سال در اختیار او بود، شاه یک عنصر تاجیک را که همان مسعود زرگر بود به این مقام برگزید (جدیدی، ۲۳۸). خواند میر کاردانی، خردمندی و فضایل او را ستوده است و این مقام را زینده فردی چون امیر نجم دانسته و می‌نویسد:

«چون امیر نجم الدین مسعود به صفت فراست و کاردانی و سمت کیاست و فضایل نفسانی اتصاف داشت و به حلاوت گفتار و محاسن کردار از امثال و اقران ممتاز بود، به اندک زمانی اعتبار و اختیار بسیار پیدا کرد و در خلال احوال مذکور به منصب وکالت نفس نفیس همایون سرافراز گشته من حیث الاستقلال روی به تمشیت مهمات ملک و مال آورد و پایه قدر و منزلتش از تمامی امرای عظام و مقربان درگاه فلک احتشام در گذشت» (خواند میر، غیث‌الدین، ۳/ ۴۹۲).

بعد از کسب عنوان وکیل از سوی امیر نجم، بنا به نوشته حسن بیک روملو، منصب امیر الامرائی هم به نامبرده واگذار شد و مهر او را در دیوان اعلی بر بالای جمیع مهرها زدند (روملو، ۳ / ۱۱۰). قاضی احمد غفاری کاشانی در نوشته‌اش تصریح می‌کند که امیر نجم، از دخالت سران قزلباش در امور مالی و دخل و تصرف آنان جلوگیری به عمل آورد (غفاری، ۲۷۱). نوشته کاشانی مؤید نگاهی است که پیش از این نصیری در مورد اهلیت و شایستگی مقامات دیوانی و عنصر تاجیک ابراز کرده بود.

اگرچه واگذاری و تفویض مقام وکیل از سوی شاه اسماعیل از قزلباشان به تاجیکان، کینه‌توزی و خصومت آنان را برانگیخته بود، شکاف و اختلاف در میان خود تاجیکان هم وجود داشت؛ یعنی دارنده مقام صدارت که از وی در منابع تحت عنوان صدرالممالک سخن به میان می‌آید و ایرانی هم بود، با مقام وکیل سر لجاجت و عناد داشت و این به پیچیدگی اوضاع و آشفتگی شرایط اجتماعی بیش از پیش دامن می‌زد. بر اساس نوشته حسن بیک روملو، قاضی محمد کاشی را که علاوه بر احراز مقام صدر در دوره شاه اسماعیل یکم، حکومت مناطقی چون یزد، کاشان، محال عراق عجم و شیراز را به عهده داشت، می‌توان از دشمنان برجسته وکیل شاه اسماعیل یکم امیر نجم دانست. (روملو، ۳ / ۱۱۰). حسن روملو

که به عنوان یکی از مقامات قزلباش، قلم را در خدمت منافع گروهی خود به کار نگرفته، در مقایسه بین این دو چهره ایرانی که هر یک در رأس یکی از مقامات عالی رتبه دیوانی قرار داشتند، قاضی محمد کاشی را به ریختن خون‌های انسان‌های بی گناه و ارتکاب اعمال قبیح و زشت متهم کرده است (همانجا).

شاه اسماعیل تعیین سرنوشت صدرالممالک قاضی محمد کاشی را که به امیر نجم تهمت حیف و میل اموال دولتی زده بود و او را به جمع آوری ثروت از راه های غیر مشروع متهم ساخته بود به وکیل سپرد و وی پس از ضبط کلیه اموال صدر، او را به علت ستم‌های فراوانی که صورت داده بود، به قتل رساند. رضا قلی خان هدایت به جهت کیفر رساندن قاضی محمد کاشی و حمایت شاه از امیر نجم، در ستایش از شاه اسماعیل می‌نویسد: «پروردگان خود را به سخن دشمنان خوار نکردی» (هدایت، ۸/۴۳) در منازعه بین دو مقام ایرانی یعنی امیر نجم و قاضی محمد به عنوان عالی‌ترین مقامات منصب دیوانی (صدر و وکیل)، شاه صفوی جانب مقام وکیل را گرفت. این امر نشان می‌دهد که شاه اسماعیل بر اساس حسن ظن و آشنایی با توانمندی و تلاش‌های مدبرانه امیر نجم، مقام وکیل را لایق احترام و اعتبار می‌دیده است. از مطالعه نوشته‌های غیاث‌الدین خواند میر درباره خدمات و اقدامات امیر نجم، موارد ذیل را می‌توان به عنوان گزیده اقدامات وی برشمرد:

۱. تنظیم قانون نامه ای تحت عنوان «دستور نامچه» که بر اساس این قانون، وظایف و حیطه اختیارات مقامات کشوری و لشکری تعیین و تبیین شده بود.

۲. حمایت و حفاظت از کشاورزان در روستا و پیشه‌وران در شهرها به عنوان عناصر مولد و سازنده.

۳. حمایت از دانشمندان و هنرمندان (خواند میر، غیاث‌الدین، ۳/۴۹۱).

پس از مرگ نابهنگام امیر نجم، شاه اسماعیل دستور داد تا با انجام تشریفات باشکوه، جنازه وی به نجف اشرف حمل شود. مؤلف ناشناس *عالم آرای صفوی*، در توصیف میزان دل‌بستگی و علاقه‌مندی شاه اسماعیل به امیر نجم، آورده است: «نعش او را چنان برداشت که اگر سلطان

حیدر [پدر شاه اسماعیل] فوت شده بود، او را این گونه بر نمی داشت». (عالم آرای صفوی، ۳۰۵).

امیر یار احمد خوزانی (امیر نجم ثانی)

به دلیل احترام فوق العاده شاه اسماعیل یکم به امیر نجم، شاه پس از انتخاب یار احمد خوزانی به مقام وکالت، بنا به نوشته مؤلف کتاب تاریخ عالم آرای صفوی که خود همچون شاه اسماعیل، علاقمندی و دل بستگی اش را به امیر نجم کتمان نمی کرد گفت: «چون می خواهم نام نجم همیشه در زبان من باشد، لذا ترا نجم ثانی بگویند» (همانجا).

از مطالعه منابع دوره صفوی که به ذکر عملکرد و کارنامه یار احمد خوزانی (امیر نجم ثانی) پرداخته اند می توان وجوه کسانی را در خدمات و اقدامات این دو مورد توجه قرار داد:

۱. حاکمیت مطلق العنان و تسلط کامل امیر نجم اول و دوم بر دستگاه دیوانی و لشکری از یکسو و از سوی دیگر تمرکز دو عنوان مهم آن دوره: وکالت و امیرالامرائی در هر دو (بوداق بیک قزوینی، ۲۹۱).

۲. مخالفت قاضی محمد کاشی (صدر الممالک) با امیر نجم اول و مخالفت امیر سید شریف شیرازی (صدر الممالک) با امیر نجم ثانی (خواند میر، غیاث الدین، ۳/ ۵۲۴).

۳. تلاش مشترک هر دو در حفظ امنیت شهرها، جلوگیری از تجاوز به حقوق و زندگی کشاورزان، پیشه‌وران و بازرگانان (همو، ۳/ ۵۰۱).

امیر عبدالباقی (نظام الدین میر عبدالباقی)

امیر عبدالباقی را می توان سومین دارنده عنوان وکیل در میان عنصر تاجیک به شمار آورد؛ اگر امیر نجم اول و دوم خاستگاه دیوانی داشتند و از مقامات دیوانی به عنوان و منصب وکالت دست یافتند، امیر عبدالباقی به عنوان صدرالممالک به مقام وکیل دست یافت. تنها تفاوت عمده‌ای را که می توان بین او و دو نجم اول و دوم مورد توجه قرارداد، این است که در دوره وکالت امیر عبدالباقی، سه عنوان وکالت، صدارت و امیرالامرائی در اختیار وی قرار گرفته بود (همو، ۳/ ۵۲۴). این در حالی است که در دوره وکالت امیر نجم اول و دوم، صدرالممالک فرد دیگری بود.

آن چه که به عنوان وجه مشترک زندگی سیاسی امیر عبدالباقی با امیر نجم ثانی قابل ذکر است، فرجام مشترک این دو و تفاوت آن با امیر نجم اول است زیرا، امیر نجم ثانی در جنگ عجدوان با ازبکان و امیر عبدالباقی در جنگ چالدران با عثمانی‌ها کشته شد (خواند میر، امیر محمود، ۱۵۱-۱۵۰). اینچنین دو پیکار بزرگ با دشمنان شرقی و غربی ایران در دوره سلطنت شاه اسماعیل یکم، جان دو تن از برجسته‌ترین مقامات ایرانی را که به عنوان وکیل دست یافته بودند، گرفت.

میرزا شاه حسین اصفهانی

میرزا شاه حسین اصفهانی را باید آخرین وکیل دوره سلطنت شاه اسماعیل یکم دانست. در مقایسه بین ایام وکالت همتایان وی، می‌باید او را با دوام‌ترین دارنده مقام وکالت در این دوره دانست؛ در حالی که امیر نجم دو سال (۹۱۳-۹۱۵ ق)، یار احمد خوزانی (امیر نجم ثانی) سه سال (۹۱۵-۹۱۸ ق) و امیر عبدالباقی دو سال (۹۱۸-۹۲۰ ق) این مقام را در اختیار داشتند، او مدت ۹ سال (۹۲۰-۹۲۹ ق) در رأس تشکیلات اداری و اجرائی این دوره قرار داشت.

از نظر خاستگاه اجتماعی، می‌توان تفاوت اساسی را بین خاستگاه اجتماعی میرزا شاه حسین و وکلای سه‌گانه قبلی مورد توجه قرار داد؛ وکلای پیشین از نظر خاستگاه اجتماعی از طبقه اعیان و اشراف بودند و پایگاه اجتماعی آنان را اقشار زمین دار و مالکان بزرگ تشکیل می‌دادند. این در حالی است که شاه حسین بنا به نوشته قاضی احمد قمی: «در آوان شهاب در اصفهان، به امر معماری و بنایی اشتغال داشت» (قمی، ۱/ ۱۵۱).

علاوه بر این باید گفت، به خلاف وکلای سه‌گانه پیشین، شاه حسین اصفهانی، نخستین مورد استثنایی در میان وکلای دوره سلطنت شاه اسماعیل یکم است که از مقام وزیر ایالت به منصب وزارت و سپس به وکالت دست یافته است (جدیدی، ۲۳۵).

مقایسه اقدامات و اختیارات وکلای دوره سلطنت شاه اسماعیل

برخورداری از خاستگاه اجتماعی اعیانی و احراز پایگاه اجتماعی وسیع در میان توده های مردم، موجب گردید افرادی که حائز این ویژگی بودند، به سرعت به عالی‌ترین مقام کشوری

دست بیابند ولی افرادی که از خاستگاه اجتماعی متوسط و پایگاه اجتماعی محدودی برخوردار بودند، استعداد ذاتی آنان و توانمندیشان در اجرای امور کوچک که سخت کوشی و کارنامه قابل تحسینی را از آنان عیان می‌ساخت، سبب گردید که آنان پله های ترقی را بتدریج طی کرده و به عالی ترین مقام اداری دست یابند. این ویژگی در انتخاب میرزا حسین اصفهانی به مقام وکیل شاه اسماعیل یکم، از دو جهت قابل تأیید است:

۱. میرزا حسین سالها وزیر دورمیش خان شاملو، خواهرزاده محبوب و مورد اعتماد شاه اسماعیل یکم بود.

۲. همدستی و معاونت او با نظام الدین میرعبدالباقی که پیش از وی، مقام وکالت را به عهده داشت (جدیدی، ۲۳۵).

ویژگی های مشترکی را که می توان بین او وکلای سه گانه پیشین مورد مطالعه قرار داد عبارت اند از:

۱. توانمندی و کاردانی وی در اداره امور کشور (روملو، ۳ / ۱۷۸).

۲. حمایت وی از دانشمندان و عالمان (قمی، ۱ / ۱۵۱).

۳. تداوم ستیز و اختلاف بین عنصر قزلباش و مقام وکیل (روملو، ۳ / ۱۷۸).

نقطه اوج ستیزه گری و خصومت بین عنصر قزلباش و تاجیک را می توان قتل میر عبدالباقی (وکیل) توسط شاهقلی عربگرو و قورچیان همدست وی دانست که از عنصر قزلباش محسوب می شدند (خواند میر، غیاث الدین، ۳ / ۵۹۶؛ روملو، ۳ / ۱۷۸).

شاه اسماعیل همچون دوره پیشین که در مصاف و ستیز بین مقام وکیل و صدر (امیر نجم اول و قاضی محمد کاشی)، جانب وکیل را گرفت در این مرحله هم قاتل میرعبدالباقی را به سزای عمل خود رساند و نشان داد که در مصاف و درگیری بین هر مقام عالی رتبه کشوری و لشکری با مقام وکیل، جانب مقام وکیل را خواهد گرفت و وکلا می باید به شاه به عنوان حامی و پشتیبان خود بنگرند.

خدمات مهم میرزا شاه حسین آخرین وکیل دوره سلطنت شاه اسماعیل یکم را می توان در موارد سه گانه ذیل برشمرد:

۱. جلوگیری از مخالفت گسترده و عصیان شیخ شاه حاکم شروان و فراهم ساختن زمینه تداوم اطاعت حاکم شروان از شاه و عدم ایجاد منازعه بین شاه و یکی از مناطق مهم این دوره که اهمیت سوق الجیشی آن بر کسی پوشیده نیست.

۲. هدایت و اداره خردمندان کشور پس از جنگ چالدران؛ زمانی که شاه اسماعیل یکم تنها وظیفه‌ای که برای خود در پیش گرفته بود، صید و شکار بود.

۳. تلاش و اهتمام در نجات جان شاه طاهر دکنی از سلاله اسماعیلیان مصر به عنوان یک اقدام انسانی که ناشی از فضیلت خواهی و اخلاق مدارای وی بود (جدیدی، ۲۳۷ - ۲۳۶).

در منابع دوره صفوی، از میرزا شاه حسین بیشتر با عنوان وزیر یاد می‌کنند و این ابتکار در دوره سلطنت شاهان بعدی تا شاه عباس یکم تداوم یافت و به همین جهت نمی‌توان عنوان وکیل را به جد در منابع مربوط به ذکر ایام پادشاهی جانشینان شاه اسماعیل یکم مورد مطالعه قرار داد. آخرین وکیل شاه اسماعیل یکم، خواجه جلال‌الدین محمد تبریزی بود که نه ماه مقام وکالت را به عهده داشت تا اینکه شاه اسماعیل یکم در گذشت.

۲. وکلای دوره سلطنت شاه طهماسب

در دوران سلطنت شاه طهماسب یکم فرزند شاه اسماعیل یکم این افراد به مقام وکالت دست یافتند: خواجه جلال‌الدین محمد کججی، قاضی جهان سیفی حسنی، میر جعفر ساوجی، احمد بیگ نور کمال، میر عنایت الله، قاضی جهان، خواجه غیاث‌الدین علی، آقا محمد فراهانی، خواجه امیر بیگ و معصوم بیگ صفوی. از بین این افراد، خواجه جلال‌الدین محمد کججی پس از یک سال وزارت، توسط دیو سلطان روملو کشته شد، میر جعفر ساوجی در منازعات بین تلکو و استاجلوجان باخت، میر عنایت الله به همراه حاکم مغضوب ناحیه بیه پس گیلان یعنی امیره دوباج (مظفر سلطان) در قفس آهنین به آتش کشیده شد و معصوم بیگ صفوی هم در حین سفر زیارتی به مکه، توسط عمال حکومت عثمانی از پای در آمد (ترکمان، ۱/ ۱۶۱-۱۵۹). از بین وکلای دولت سلطنت شاه طهماسب یکم، تنها قاضی جهان حسنی بود که به

مدت ۱۵ سال در این مقام بسر برد و بعد از او هم می‌توان احمد بیگ نور کمال را نام برد که بعد از شش سال وزارت به مرگ طبیعی در گذشت.

از مطالعه منابع دوره سلطنت شاه طهماسب یکم، می‌توان دریافت که دیو سلطان روملو امیر الامرای سپاه درصدد برآمده بود که مقام وکالت شاه - نظارت دیوان اعلی - را نیز به دست آورد و کلیه امور کشور را زیر نظر مستقیم خود اداره کند.

دوران اولیه سلطنت شاه طهماسب یکم عرصه منازعات پی در پی کوچک سلطان استاجلو، دیو سلطان روملو و چوهه سلطان تکلو بود (پارسا دوست، صص ۳۹-۳۸). علت آتش کشیدن میر عنایت خوزانی را مورخان صفوی چون حسن روملو، عبدی بیگ، بوداق بیگ منشی قزوینی و احمد غفاری، اظهار علاقه او به عیسی پسر باسلیق بیگ دانسته‌اند (پارسا دوست، ۵۸۶). علاوه بر عدم ثبات جایگاه مقام وکیل نفس نفیس همایون در این دوره، می‌توان مهم‌ترین مانع بر سر راه فعالیت وکیلان را در دوره شاه طهماسب یکم، آشفتگی اوضاع سیاسی - اجتماعی و دخالت گسترده امرای نظامی در امور دیوانی و کشوری دانست.

۳. نتیجه

۱. شاه اسماعیل یکم همواره می‌کوشید تا مقام وکیل را در اختیار عنصر تاجیک (ایرانی) قرار دهد. در دوره زمامداری وی، مقام وکیل در رأس همه مناصب کشوری و لشکری قرار داشت و در بسیاری از سال‌های حکومت وی مقامات دیگر چون صدارت و امیر الامرائی هم به مقام وکیل افزوده شد و در عهده اختیارات مقام وکیل که ایرانی بود قرار گرفت.

۲. دارنده مقام وکیل از دوره سلطنت شاه اسماعیل یکم و اعتماد الدوله از دوره سلطنت شاه اسماعیل دوم و شاه محمد خداپنده که جایگزین مقام وکیل گردید، دارای خاستگاه اشرافی و پایگاه اجتماعی مناسب و قابل توجهی بودند. ظاهراً تنها استثنا را در همه این ادوار می‌توان میرزا شاه حسین اصفهانی، با دوام‌ترین وکیل دوره سلطنت بنیان‌گذار حکومت صفوی دانست.

۳. از ابتدای تشکیل حکومت خاندان صفوی تا آغاز سلطنت شاه عباس یکم، جدال و ستیزه پایان‌ناپذیر بین عنصر قزلباش و مقامات دیوانی وجود داشت. مرگ میر عبدالباقی و قتل

میرزا سلمان جابری انصاری را توسط قزلباش‌ها در دوره سلطنت شاه اسماعیل یکم و شاه محمد خدابنده می‌توان نقطه اوج این ستیزه‌گری دانست. طلیعه این ناسازگاری و اختلاف عدم اطاعت قزلباش‌ها از امیر نجم ثانی، در جنگ غجدان بود.

۴. بررسی زندگی نامه وکلای دوره سلطنت شاه اسماعیل یکم، وجود تعارض را در ساختار حکومت صفوی بین شاه و قزلباشان نشان می‌دهد؛ برکناری حسین بیگ شاملو از وکالت نفس نفیس همایون را می‌توان نخستین نشانه این تعارض دانست. عدم حمایت سران قزلباش و نیروهای آنان را از یاری رساندن به امیر نجم ثانی در برابر ازبکان و کشته شدن وکیل اصفهانی در غجدوان بخارا و قتل میرزا شاه حسین اصفهانی وزیر را به دست مهتر شاهقلی قزلباش، می‌توان نشانه‌های دیگری برای ادامه و تشدید این تعارض تلقی کرد.

کتابشناسی

- بوداق بیگ قزوینی، *جوهر الاخبار*، تصحیح محسن بهرام نژاد، چاپ اول، نشر میراث مکتوب، تهران، ۱۳۷۸.
- پارسا دوست، منوچهر، *شاه تهماسب اول*، چاپ اول، شرکت سهامی انتشار، تهران، ۱۳۷۷.
- ترکمان، اسکندر بیگ، *تاریخ عالم آرای عباسی*، به اهتمام ایرج افشار، چاپ چهارم، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۷۸.
- جدیدی ناصر، «شاه حسین اصفهانی از معماری تا وزارت»، مجموعه مقالات همایش صفویه در گستره *تاریخ ایران زمین*، به اهتمام دکتر مقصود علی صادقی، چاپ اول، انتشارات ستوده، تبریز، ۱۳۸۴.
- خواند میر، غیاث‌الدین، *تاریخ حبیب السیر فی اخبار افراد بشر*، با مقدمه جلال‌الدین همائی، چاپ اول، کتابخانه خیام، تهران، ۱۳۳۳.
- خواند میر، امیر محمود، *تاریخ شاه اسماعیل و شاه تهماسب صفوی* (ذیل تاریخ حبیب السیر)، تصحیح و تحشیه محمد علی جراح، چاپ اول، نشر گستره، تهران، ۱۳۷۰.
- روملو، حسن بیگ، *احسن التواریخ*، به تصحیح عبدالحسین نوائی، چاپ اول، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، ۱۳۴۹.

رویمر، هانس رویرت، *ایران در راه عصر جدید*، ترجمه آذر آهنچی، چاپ دوم، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۸۵.

سیوری، راجر، «اهمیت قتل سیاسی میرزا سلمان»، *فصل نامه فرهنگ (ویژه تاریخ)*، ترجمه عباس هاشم زاده محمدیه، شماره سوم، سال پانزدهم، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ۱۳۸۱.

_____، *ایران عصر صفوی*، ترجمه احمد صبا، چاپ اول، انتشارات کتاب تهران، تهران، ۱۳۶۳.

عالم آرای صفوی، به کوشش یدا... شکری، چاپ اول، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، تهران، ۱۳۵۰.

غفاری کاشانی، قاضی احمد، *تاریخ جهان آرا*، چاپ اول، کتاب فروشی حافظ، تهران، ۱۳۴۳.
 قمی، قاضی احمد، *خلاصه التواریخ*، ج ۱، به تصحیح احسان اشراقی، چاپ اول، دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۵۹.

مرعشی نجفی، میرزا محمد خلیل، *در تاریخ انقراض صفویه و وقایع بعد تا سال ۱۲۰۷ ه.ق*، تصحیح عباس اقبال، چاپ اول، شرکت سهامی چاپ، تهران، ۱۳۲۸.

میرزا رفیعا، *دستور الملوک*، به کوشش و تصحیح محمد اسماعیل مارچینکوفسکی، ترجمه علی کرد آبادی، چاپ اول، مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، تهران، ۱۳۸۵.

نصیری، میرزا علی نقی، *القاب و مواجب دوره سلاطین صفویه*، تصحیح دکتر یوسف رحیم لو، چاپ اول، انتشارات دانشگاه فردوسی، مشهد، ۱۳۷۲.

نوایی، عبدالحسین، *شاه عباس (مجموعه اسناد و مکاتبات تاریخی همراه با یادداشت های تفصیلی)*، ج اول، چاپ دوم، انتشارات زرین، تهران، ۱۳۶۶.

هدایت، رضا قلی خان، *تاریخ روضه الصفای ناصری در ذکر پادشاهان دوره صفویه*، افشاریه، زندیه و قاجاریه، چاپ اول، انتشارات مرکزی، خیام و پیروزی، تهران، ۱۳۳۹.